**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه شانزدهم)**

شانزدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز یکشنبه پانزدهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: مقصود از این فراز: «يَا ابْنَ مَنْ دَنا ﴿دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾، دُنُوّاً وَ اقْتِرَاباً مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى» در دعای ندبه چیست؟

پاسخ: این فراز از دعای ندبه اشاره به آیۀ شریفۀ ﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ [النجم 53: 8-9] دارد. این نوع مجاز، که تشبیه امور معنوی به مادی است، از انواع رایج در بلاغت لغت عرب بوده و برای بهتر فهمیدن مطالب استفاده می‌شود. مقصود از این فراز رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند که به این مقدار به خدای متعال نزدیک شدند. قوس به معنی کمان، وسیله‌ای که با آن تیر می‌اندازند، می‌باشد و مراد از کمان در اینجا یعنی به اندازه کمان است که تشبیه امر معنوی به امر محسوس، مادی و ظاهری می‌باشد.

پرسش: با توجه به اینکه مسواک زدن یکی از مستحبات می‌باشد، آیا مراد مطلق مسواک زدن است یا مسواک با چوب اراک؟

پاسخ: در مورد مسواک زدن دو دسته روایت وجود دارد. یک دسته از آن‌ها به طور مطلق دستور داده‌اند که مسواک زده شود و در آن‌ها اشاره‌ای به نوع خاصی از مسواک نشده است. یکی از این روایات عبارت است از صحیحه محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام «قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جَبْرَئِيلُ يُوصِينِي بِالسِّوَاكِ حَتَّى خِفْتُ أَنْ أُحْفِيَ أَوْ أَدْرَدَ» (وسائل الشيعه، ج2، ص5/ الباب 1، ح1).

دسته دیگر از روایات که امر به مسواک زدن می‌کنند، به صورت مقید وارد شده و در آن نوع مسواک بیان شده است مانند اینکه که با چوب اراک مسواک زده شود: «وَ كَانَ صلى الله عليه وآله يَسْتَاكُ بِالْأَرَاكِ أَمَرَهُ بِذَلِكَ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام» (مستدرك الوسائل، ج1، ص368/ الباب 6، ح5). همچنین در رسالۀ ذهبیۀ امام رضا علیه‌السلام نقل شده است: «وَ اعْلَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ أَجْوَدَ مَا اسْتَكْتَ بِهِ لِيفُ الْأَرَاكِ» (همان، ص369، ح6).

اما از آن جهت که این دو روایت مثبتین می‌باشد، نتیجه این می‌شود که تعارضی بین آن دو به وجود نمی‌آید -که لازم باشد مطلقات را حمل بر مقیدات کنیم- بنابراین، مطلق مسواک زدن امری مستحب است، چه با چوب اراک و چه با غیر چوب اراک.

پرسش: آیا جویدن آدامس باعث بطلان روزه می‌گردد؟

پاسخ: اگر بر اثر جویدن آدامس، ذراتی داخل حلق شود -ولو بسیار ریز باشد- این کار جائز نیست و باعث بطلان روزه می‌گردد. اما صرف جویدن آدامس باعث بطلان روزه نمی‌گردد.

پرسش: لفظ «کراهت» در روایات به چه معنا می‌باشد؟

پاسخ: معنای لفظ «کراهت» در روایات نسبت به کلام فقهاء أعم می‌باشد و در کلام فقهاء فقط به معنی کراهتی که مرتبه حرمت را ندارد استعمال می‌شود. اما در روایات، گاهی به معنای حرمت و گاهی به معنای کراهت اصطلاحی استعمال شده است و باید با توجه به قرائن پی ببریم که مراد از این لفظ حرمت بوده یا کراهت. اگر در موردی قرینه‌ای وجود نداشت، در این صورت، چون شک بین أقل و اکثر است، أخذ به قدر متیقن -که أقل می‌باشد و در این جا خصوص کراهت است- می‌شود.

پرسش: شخصی که نماز ظهر را به جا آورد و بعد با هواپیما به شهری می‌رود که تازه اذان ظهر را می‌گوید، آیا باید دوباره نماز ظهر را به جا بیاورد؟

پاسخ: از مجموع ادله به دست می‌آید که بر انسان در یک بیست و چهار ساعت شبانه‌روز بیش از پنج وعده نماز واجب نیست. بنابراین، بر چنین شخصی واجب نیست که دوباره نماز ظهر و عصر را به جا بیاورد. اما اگر در ماه رمضان، نسبت به روزه این اتفاق افتاد، در این صورت اگر این شخص 30 روز را روزه گرفته باشد، دیگر لازم نیست روزه بگیرد، حتی اگر به این شهری که می‌رود هنوز ماه رمضان باشد. اما اگر 29 روز روزه گرفته باشد، در این صورت اگر به شهری رفت که هنوز ماه رمضان است، باید یک روز دیگر روزه ماه رمضان را بگیرد.

پرسش: با توجه به اینکه شبانه‌روز در کره زمین متغیر می‌باشد، شب قدر و شب نزول قرآن چه زمانی می‌باشد؟

پاسخ: شب نزول قرآن کریم بر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به وقت مکه اتفاق افتاده است. اما شب قدر نسبت به باقی مردم به این صورت است که هرکس نسبت به زمان خودش، شب قدر ملاک می‌باشد. همانطور که در امر نماز و روزه، هر کسی باید طبق غروب و طلوع شهر خودش عمل کند همانگونه در برخی از روایات وارد شده: «وَ إِنَّمَا عَلَيْكَ مَشْرِقُكَ وَ مَغْرِبُكَ» (وسائل الشیعة، ج4، ص198/ الباب 20، ح2)، در مورد شب قدر هم به همین صورت است و شب قدر هر شخصی نسبت به زمان و مکانی است که در آن قرار دارد.

امّا نزول ملائکه در شب قدر، به وقت مکانی صورت می‌گیرد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن مکان حاضر هستند.

پرسش: با توجه به اینکه در لسان بعضی از دعاها از قبیل: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» (الكافي، ج1، ص337، ح5 وص342، ح29) معرفت را بدون واسطه قرار داده‌اند، آیا می‌توان از غیر از طریق ائمه علیهم‌السلام به خدای متعال معرفت پیدا کرد؟

پاسخ: تنها راه معرفت خدای متعال، اهل بیت علیهم‌السلام هستند. اما اینکه در این‌گونه ادعیه بدون واسطه بیان شده است، از باب این است که نسبت به سبب و مسبب یکی می‌باشد. به این صورت که خدای متعال انبیاء، اولیاء و اهل بیت علیهم‌السلام را فرستاده است تا خدا را به مردم بشناسانند و شناخت مردم از طریق این‌ها را می‌توان به خدای متعال نسبت داد. کما اینکه در آیه شریفه قرآن کریم می‌فرماید: «تَوَفَّتْهُ رُسُلُنا» (الأنعام/ 61) و در جای دیگر قرآن کریم، خدای متعال می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (الزمر/ 42)؛ زیرا خدای متعال ملائکه را برای قبض روح فرستاده است. بنا بر این می‌توان اخذ روح را مستقیم به خود خدا نسبت داد.

و اینکه ائمه علیهم‌السلام معرِّف خدای متعال هستند به این معناست که تنها نشانه و راه شناخت خدای متعال هستند.

پرسش: آیا شخصی که علم پیدا کرده است که فلان فتوی مجتهد اشتباه است، می‌تواند به آن فتوی عمل کند؟

پاسخ: از آن جهت که شک، ظرف عمل به قول مجتهد می‌باشد، بنابراین اگر برای مقلد به هر طریقی علم و یقین حاصل شد که فلان فتوی مجتهد غلط می‌باشد، نمی‌تواند به آن فتوی عمل کند.

پرسش: آیا علامه حلی جهاد ابتدایی با فلاسفه را واجب می‌داند؟

پاسخ: همان‌گونه که در جلسات گذشته بیان شد، جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبری جایز نیست.

علامه حلی نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند: «الجهاد قسمان: أحدهما: أن يكون للدعاء إلى الإسلام، و لا يجوز إلّا بإذن الإمام العادل أو من نصبه لذلك، عند علمائنا أجمع، لأنّه أعرف بشرائط الدعاء و ما يدعوهم إليه من التكاليف دون غيره… و الثاني: أن يدهم المسلمين العدو، فيجب على الأعيان عند قوم و على الكفاية عند آخرين» (تذکرة الفقهاء، ج9، ص19 تا ص20).

پس اینکه می‌فرماید: «الذين يجب جهادهم قسمان: مسلمون خرجوا عن طاعة الإمام و بغوا عليه، و كفّار، و هم قسمان: أهل كتاب أو شبهة كتاب، كاليهود و النصارى و المجوس و غيرهم من أصناف الكفّار، كالدهرية و عبّاد الأوثان و النيران، و منكري ما يعلم ثبوته من الدين ضرورة، كالفلاسفه و غيرهم» (تذکرة الفقهاء، ج9، ص41، م16)، باید حمل بر وجوه و محاملی شود. به نظر می‌رسد جهادی که با فلاسفه و مانند آن واجب است، فقط جهاد علمی است.

پرسش: آیا فرش یا یکی دیگر از متعلقات موقوفه‌ای را می‌توان تبدیل به أحسن کرد؟

پاسخ: هرگونه تغییر و تبدیل مال وقفی، حتی تبدیل به احسن آن، جایز نیست، مگر اینکه متولی وقف آن را به صلاح مورد وقف ببیند.

پرسش: آیا از نظر شیعه، قرآن تحریف شده است؟

پاسخ: خدای متعال همراه با قرآن کریم، تفسیر، تنزیل (= شأن نزول) و تأویل آن را نیز برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل می‌کردند. پس آیات قرآن از دستخوش تحریف حفظ شده، ولی تنزیل، تأویل و تفسیر آن تحریف شده‌اند و تمام علم آن نزد اهل بیت علیهم‌السلام است که بخشی از آن به واسطه روایات اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است.

ممکن است گفته شود: در مورد تحریف قرآن روایات فراوانی وجود دارد.

در پاسخ گفته می‌شود: تعداد زیادی از روایات که در مقام اثبات تحریف قرآن کریم وارد شده‌اند، توسط شخصی به نام احمد بن محمد سیاری نقل شده است که عالمان رجال شیعه در مورد او گفته‌اند: «ضعيف الحديث، فاسد المذهب، مجفو الرواية، كثير المراسيل» (رجال النجاشی، ص80، رقم 192؛ فهرست الطوسی، ص57، رقم 70). همچنین کشی به نقل از توقیعی از امام جواد علیه‌السلام دربارۀ او نقل می‌کند: «أَنَّهُ لَيْسَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي ادَّعَاهُ لِنَفْسِهِ وَ أَلَّا تَدْفَعُوا إِلَيْهِ شَيْئاً» (رجال الکشی، ص606، ح1128).

پرسش: مراد از روایتی که مرحوم سید عبد الله شبر از امیرمؤمنان علیه‌السلام روایت نموده: «أنا أصغر من ربّي بسنتين» (مصابیح الأنوار، ج2، ص319، ح171) چیست؟

پاسخ: مرحوم سید شبر دو وجه در شرح این روایت احتمال می‌دهد. در وجه اول می‌فرماید: «أنّ المراد بالربّ: الحقيقي، والمراد بسنتين: رتبتين، والمعنى: أنّ جميع مراتب كمالات الوجود المطلق حاصلة لي سوى مرتبتين، هما مرتبة الاُلوهيّة ووجوب الوجود، ومرتبة النبوّة».

پرسش: با توجه به اینکه مراد از ثقلین قرآن کریم و ائمه علیهم‌السلام می‌باشند، کدام یک افضل از دیگری هستند؟

پاسخ: حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در خطبۀ مشهور خود در حجة الوداع فرمودند: «أَلَا وَ إِنِّي مُخْلِفٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ: الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ الْقُرْآنُ وَ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ عِتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، هُمَا حَبْلُ اللَّهِ مَمْدُودٌ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا» (غیبة النعمانی، ص43).

ممکن است گفته شود: در مقابل روایتی داریم که بیان می‌کند مراد از ثقل اکبر اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند. روایتی از زید بن ثابت، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، وَ اعْلَمُوا أَنْ عَلِيّاً لَكُمْ أَفْضَلُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لِأَنَّهُ مُتَرْجِمٌ لَكُمْ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى» (مائة منقبة، ص161، ح86).

در پاسخ گفته می‌شود: اولاً، این روایت مخالف روایات متواتر است. ثانیاً، راوی آن زید بن ثابت است که مرحوم علامه مجلسی نقل می‌کند: «و كان زيد بن ثابت عثمانيا يحرّض الناس على سبّه عليه السلام» (بحار الأنوار، ج34، ص296)؛ بنابراین، به خاطر ضعیفی که در سند آن وجود دارد، از درجه اعتبار ساقط می‌شود و نمی‌توان به آن عمل کرد و این کلام را به معصوم علیه‌السلام نسبت داد.